



شعر ژاپنی

ملاحظات کلی

شعر و نثر ژاپنی در مدت چند قرن پیدایش و رشد خود از فرهنگ و ادب چینیان متأثر بوده است. باید دانست که این تأثر از لحاظ مضمون و محتوی آثار ادبی صورت گرفته ورنه اختلاف میان تعابیر زبانهای چینی و ژاپنی در ادبیات این دو ملت، خاصه در اشعار، از نظر صوری فرقه‌های شکر فی پدید آورده است.

خصیصه ممتاز ادبیات ژاپنی ایجاز است. شعر طویل در زبان ژاپنی بندرت دیده میشود؛ آثار منشور نیز، هر چند دراز و مفصل باشد، غالباً از فصول و قطعات کوتاه ترکیب یافته است.

مضامین اشعار و حکایات هم حدود معینی دارد؛ شاعر یا ازغم هجران شکوه میکند و یا وصال معشوق را می ستاید و گاه دیگر از ابتذال زندگی دلنگی مینماید یا بر جفای زمانه نفرین میفرستد. نویسنده نیز جز وصف دقیق این حالات و تأثرات کار دیگر نمیکند. تنها تعابیر است که دگرگون میشود. غیر از آثار ادبیات کنونی ژاپن که از مغرب زمین مایه میگیرد این همانندی و یکنواختی در سراسر اشعار و داستانهای کوتاه و بلند ژاپنی آشکارا نمایانست. و با اینحال هنوز هم در میان این آثار قطعاتی میتوان یافت که لطف و تازگی خاص داشته باشد. این نکته را نیز باید افزود که بعضی رشته‌های ادبیات ژاپنی از همان آغاز پیدایش استقلال و اصالت خود را نگهداشته است. مثل رومان که در ژاپن زودتر از چین پدید آمد و همیشه هم از تأثیر ادبیات چینی برکنار ماند و مشخصاتی خاص خود دارد.

شعر

زبان ژاپنی تا قرون هفتم و هشتم میلادی خط نداشت. سالیان دراز اشعار و داستانهای ژاپنی فقط دهان بدهان می گشت و وسیله‌ای برای ضبط آنها نبود. از اینرو روایت در تاریخ ادبیات ژاپن مقام بلندی داراست. در پایان دوره «نارا» Nara (اواخر قرن هشتم میلادی) یعنی پس از اقتباس خط چینی مجموعه‌ای از اشعار ژاپنی زیر عنوان مانیوشو Man'yōshū (مجموعه هزار برک) فراهم آمد. در این مجموعه بیش از چهار هزار قطعه شعر مضبوط است که بیشتر آنها به قرون هفتم و هشتم تعلق دارد. اشعار این کتاب که بتشویق دربار ژاپن مدون شد بیشتر تأثرات

واحساسات اشراف آن زمان ژاپن را بیان می کند. فقط چند شعری هست که از حال و زندگی روستائیان یا سیه روزی مرزبانان ژاپنی سخن میگوید. از لحاظ مضمون، اشعار «مانیوشو» را باید از جمله اشعار تفزلی دانست زیرا بیشتر مبین عواطف و حالات تند روحی است تا شرح واقعات. پس از «مانیوشو»، سند پر ارزشی که از اشعار قدیم ژاپنی در دست است، دیوان «کوکین شو» Kokin shu (مجموعه شعر) است که در قرن یازدهم بهمت شاعر و محقق بنام تسورایوکی Tsurayuki تألیف شد. مقدمه ای که «تسورایوکی» در باره ماهیت شعر و شاعری برای این کتاب نوشته هنوز هم پس از گذشت نه قرن و گفتگوهای بسیار درباره شعر، گیرا و دلنشین است:

«... بیاری شعر است که آدمی، شادی خویش را از دیدگان کلهای شکفته، شکفتنی خود را از شنیدن سرود پرندگان و اندوهش را از تباهی شبینم صبحگاهی بیان می کند.... آنکه که در بامداد بهاری شاعری زمین را مستور از گلبرگهای درخت گیلاس می بیند، آنکه که در شب پاییزی زمزمه برکهای مرده را می شنود، آنکه که سال بسال، تصاویر غم انگیز غدر زمانه را از پیش دیدگان میگذراند با آنکه که منظره ناپایدار شبینم را مینگرد که بر چمن مروارید نشان میلفزد بدمد شعر تا تر خود را باز میگوید»

وزن و قافیه در شعر ژاپنی، چه قدیم و چه جدید، راهی ندارد. فقط هر مصراع باید از هجده معنی هجاء ترکیب شده باشد و در سرودن شعر باید این قاعده را رعایت کرد. معمولترین مصراع دارای ۵ تا ۷ هجاء است و دو مصراع آخر شعر باید حتماً مرکب از هفت هجاء باشد. صورت ظاهر شعر قدیم ژاپنی، که «تانکا» Tanka نامیده می شود، از نظر شماره هجاء ها در هر مصراع بدینگونه است: ۵، ۷، ۵، ۷، ۵، ۷، ۵. شعر موسوم به «هایکو» Haiku که در قرن هفدهم مرسوم شد فقط دارای سه مصراع است و مجموعاً ۱۷ هجاء دارد (مصراع اول و سوم، هر یک پنج هجاء و مصراع دوم هفت هجاء).

همچنانکه گفتیم اشعار ژاپنی بسیار کوتاه است و شاعر برای بیان شادی و اندوه خود کلمات و هجاء های محدودی در دسترس دارد که فقط از آنها باید استفاده کند. مثلاً شاعری بنام هییتومارو Hitomaro که در دوره «نارا» میزیسته و اشعار و شرح حالش در دیوان «مانیوشو» بتفصیل آمده، هنگامیکه همسرش میبرد و چسب او را می سوزانند این مرتبه کوتاه را در رنای او میسراید:

این محبوبه منست؟

این ابری که

دردۀ ژرف و خاموش کوهستان «هاتوزه»
سرگردانست .

باشاعرهای بنام «کاکانوچیو» پس از مرگ شوهرش ، این شعرک-وتاه را

می گوید :

آنچه بنظر موجود می نماید

رؤبای خسته ای بیش نیست ...

می خوابم ... بیدار می شوم

چه بزرگست

بستری که آدم در آن تنها باشد !

و چون فرزندش را نیز از دست میدهد فقط این دو مصراع را بشمره مذکور

می افزاید :

امروز چه سفر دوری در پیش دارد

نازنین کودک صیاد پروانه ها !

•••

یکی از رسوم دیرین شاعری در ژاپن آنست که امپراطور بهنگام عیدسال نو موضوعی را میان شاعران به مسابقه می گذارد. در مجلسی که باین مناسبت برپا میشود هر يك از حاضران وحتى خود امپراطور شعری می سرایند و می خوانند و گوینده بهترین اشعار صله فراوان از امپراتور دریافت میکند. در سال ۹۵۱ میلادی از طرف دربار ژاپن دبیرخانه ای مخصوص برای ضبط اشعار این گونه مسابقه ها تشکیل شد. در این دبیرخانه آثار کلیه شاعرانی که در مسابقه سالیانه امپراتور شرکت می کردند نگهداری میشد. آئین مسابقات سالیانه شاعری هنوز هم در ژاپن رواج دارد.

حمید عنایت

رتال جامع علوم انسانی

چند شعر ژاپونی

بادزن ماه

بمآه اگر دسته‌ای می گذاشتند .

بادزن زیبایی

از آن ساخته می شد .

پروانه

کلی از شاخ فرو افتاد

باز برجست و سرشاخه نشست

شروع آمد، این شب پره بود ! ت فریبی

رتال جامع علم و ادب
آرزو

وہ کہ مہتاب چہ دلکش است !

ای کاش کہ من پس از مردن

سروی بر سر کوهی می شدم .